

آی اس آی از راکت پراکنی تا صدور فتوای

حسب گزارشات منتشره از سوی تعدادی رسانه های کشور، سازمان استخبارات پاکستان طرح سناریوی فتوایی مبنی بر مسدود نمودن مکاتب در افغانستان را ترتیب و در صدد آن است تا از طریق جاسوسان و عمال خویش (گروه طالبان) در افغانستان زیر نام علمای دین، صادر نماید.

فتوای متذکره به مهارت خاص ترتیب و با امضای تعداد از علمای به اصطلاح دینی پاکستان، که در حقیقت طرح و سفارش سازمان استخباراتی آن کشور می باشد تزیین گردیده که وجهه اش را در میان مردم بالا ببرد. قسمتی از این فتوای مضحک را که به شرح زیر ترتیب گردیده، ذیلاً می نگارم تا خوانندگان این متن به خوبی از نیت و اهداف دولت پاکستان به صورت عام و سازمان استخبارات و نوکران حلقه به گوش آن کشور به طور خاص در قبال سرزمین و کشورش آگاهی حاصل نماید: "از آنجاییکه در مکاتب افغانستان مضامین و مطالب کفر آمیز تدریس می شود و این مدارس نیز از سوی کفار، ایجاد و تمویل و استادان آن ها از این مدارک معاش دریافت می نمایند، کودکان افغانستان در پرورشگاه های غربی ناحیه پنجم شهر کابل تربیه می شوند که در آن آئین مسیحیت را فرا می گیرند، ما خود را ملزم می دانیم تا از اسلام و دساتیر آن حراست و نگهداری نموده و جلو رشد کفر را در سرزمین اسلامی افغانستان بگیریم."

این شبکه طبق محاسبه ای که انجام داده وضعیت معارف را از زمان حاکمیت طالبان که در آن مضامین ساینس و اجتماعی یا کاملاً از نصاب تعلیمی حذف گردیده و یا در حاشیه رانده شده بود و به جای آن چندین مضمون دینی و عقیدتی تدریس می شد. تعداد شاگردان از لحاظ کمیت و کیفیت بنا بر وضعیت بد تعلیمی و فضای خفقان سیاسی و اجتماعی ایجاد شده از سوی آن گروه، به پایین ترین حدش سقوط نموده بود و به سرعت سرسام آور مراحل زوال خود را می پیمود. با دوران بعد از طالبان که برعکس آن، رجوع همگانی و روز افزون به فراگیری علم و دانش، باز گشایی مکاتب و پوهنتون ها در سراسر کشور و اعمار صدها باب مکاتب جدید در اقصا نقاط افغانستان صورت گرفت و در یک کلام معارف افغانستان درحالی است تا مراحل رشد و شگوفایی یا همان رنسانس خود را ببیند و آنچه که شایسته مردم متدین، لایق، زحمت کش و آگاه این خطه است کسب نماید. آی اس آی تعداد شاگردان را به مقایسه گرفته و از رشد سرسام آور آن به وحشت افتاده، طوری که حتی به محاسبه رجوع شاگردان به مکاتب در دقیقه نیز پرداخته چنانچه نگاشته شده که هر سال ۸۰۰۰۰۰ نفر، هر ماه ۶۶۶۶۶ نفر، هر روز ۲۲۲۲ نفر، هر ساعت ۹۲ نفر و در هر دو دقیقه سه نفر طفل افغانستان نو شامل مکاتب می گردند. بر اساس محاسبه آی اس آی در سال ۲۰۰۱ تعداد مجموعی شاگردان افغانستان یک میلیون و در سال ۲۰۱۱ این رقم به هشت میلیون نفر رسیده است. اکنون از فرط وحشت بر آن شده تا به هر نحو ممکن سدی را در برابر رشد معارف کشور و از آن طریق در راه ترقی و پیشرفت افغانستان ایجاد نماید و مثل همیشه که در این سرزمین از دین و ارزش های دینی استفاده ابزاری صورت گرفته و هر جنایتکار، جنایت های خویش را صبغه دینی و شرعی داده و ظهور طالبان یعنی منفور ترین و سفاک ترین گروه جانی را نیز رنگ و بوی دینی داد، اینبار نیز می خواهد که این فتوا را از طریق به اصطلاح علمای خویش صادر نموده و با رنگ و بوی دینی آراسته به خورد مردم بیچاره این دیار بدهد. اما با یک تفاوت فاحش که آن سازمان در محاسبه زمان موفق عمل ننموده یعنی طالبان یا همان مزدوران آی اس آی زمانی به نقاب دین از مرزهای پاکستان وارد افغانستان گردید، که مردم افغانستان از جنگ های میان گروهی به ستوه آمده بود. هر روز سایه سیاه مرگ بر بام یکی از این باشندگان خود را می گستراند و یکی از عزیزانش را از این خانواده می ستاند، از طالبان به این منظور استقبال نمود که شاید این گروه همانند فرشته های نجات به کمک آنها شتافته و به وحشت و دهشت جاری آن زمان نقطه پایان بگذارد. اما پس از پنج سال حاکمیت خفقانی و عقب گرایانه، اکنون مردم با درک ماهیت حقیقی طالبان و نیت شوم پاکستان در قبال افغانستان و رشد آگاهی و شعور سیاسی، از یکا یک اعمال سازمان استخباراتی پاکستان و مزدوران آنها واقف و می دانند که هدف از تمویل و تجهیز گروه طالبان از سوی پاکستان چیست. اینکه آن کشور در مدارس خود انتحار و انفجار را آموزش داده و چگونه دریدن و شیوه کشتن را به جای دساتیر دین، تدریس می نماید و در اخیر شاگردانش را ملبس با لباس های انتحاری نموده به افغانستان اعزام می نماید، چه را می خواهد تعقیب و دنبال نماید. اینکه محاسبه دقیق از شاگردان مکاتب افغانستان و محصلین پوهنتون ها دارد، چه اهداف شوم را در سر می پروراند و اینکه اکنون می خواهد فتوای جعلی خویش را از زبان جاسوسان و عمال خویش به گوش مردم برساند چه پالیسی ها و برنامه های خویش را می خواهد پیاده نماید.

مردم خوب می دانند که پاکستان از یک سو با راکت پراکنی ها، اعزام انتحاری ها، بمب گذاری ها و انفجار پل و پلچک ها، و از سوی دیگر با مانع تراشی هایش در برابر معارف کشور چون صدور فتوا و سوختاندن مکاتب و

مدارس دینی، مسموم ساختن و سربریدن دانش آموزان و شهید نمودن آموزگاران و اهل علم و معرفت چه اهداف شومی را در سر می پروراندند بناءً زمانی آن فرا رسیده که آن سازمان از اینگونه مداخلات مضحک و صدور فتوهای که اکنون رنگ باخته و در میان مردم ما چندان خریداری ندارد، دست برداشته برای همیشه به این غایله خاتمه دهد.

پایان